



اومانیسم در فلسفه

بررسی آراء و نظرات فلاسفه نه مکتب جهان در باره انسان

سعید جرّاحی

انتشارات مفاخر

بهار ۱۳۸۹



بازو: ص.ب. ۹۹۱/۹۱۴۵
نشانی دفتر: یزد، بلوار یزد بافت، پلاک ۳۴۴
تلفاکس: ۰۳۵۱۵۲۵۰۱۲۵ همراه: ۰۹۱۴۱۵۱۳۹۶۲

مجموعه ادبیات و هنر ۱۸۵

■ اومانیتسم در فلسفه

■ سعید جراحی

■ ناشر: مفاخر ■ طراح جلد: مجید جراحی ■ صفحه آرا: الهه نصیرزاده و زینب حریت‌پژوه ■ آماده‌سازی: مؤسسه احیای فرهنگ دارالعباده یزد ■ نوبت چاپ: اول
■ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد ■ قیمت: ۲۹۰۰۰ ریال ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۴۹-۱۲-۹

سرشناسه	جراحی، سعید، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	اومانیتسم در فلسفه بررسی آرا و نظرات فلاسفه نه مکتب جهان درباره انسان / سعید جراحی
مشخصات نشر	یزد: مفاخر، ۱۳۸۸ -
مشخصات ظاهری	ج: مصور: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س. م.
شابک	ج ۱ - ۲۹۰۰۰ ریال: ۹-۱۲-۵۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	انسان گرایی
موضوع	انسان (فلسفه)
موضوع	انسان شناسی فلسفی
موضوع	انسان (دین)
رده بندی کنگره	8 1388 B821/ع4
رده بندی دیویی	۲۱۱/۶
شماره کتابشناسی ملی	۷ ۴ ۹ ۳ ۵ ۸ ۱

حق چاپ محفوظ و در اختیار مؤلف می‌باشد.

Naghd77.humanism@yahoo.com

فهرست مطالب

۹	 پیشگفتار
۱۴	 مقدمه جلد اول
۲۰	 فصل اول: انسان کامل از دیدگاه آیین مزدیسنی (کیش زرتشت)
۲۲	 ۱-۱- ویژگی‌های انسان کامل زرتشت
۲۳	 ۲-۱- سوشیانت؛ انسان کامل زرتشت
۲۴	 ۳-۱- ارزیابی و نقد انسان کامل زرتشت
۲۹	 فصل دوم: انسان کامل از دیدگاه بودا
۳۰	 ۱-۲- مقصد انسان کامل
۳۳	 ۲-۲- مراحل کمال
۳۵	 ۳-۲- انسان کامل بودا
۳۶	 ۴-۲- ارزیابی و نقد انسان کامل بودا
۴۲	 فصل سوم: انسان کامل از دیدگاه مکتب کنفوسیوس
۴۴	 ۱-۳- انسان آزاده؛ انسان کامل کنفوسیوس
۴۴	 ۲-۳- مشخصات انسان کامل کنفوسیوس
۴۶	 ۳-۳- ارزیابی و نقد انسان کامل کنفوسیوس
۴۹	 فصل چهارم: انسان کامل از دیدگاه افلاطون
۵۱	 ۱-۴- نظام فلسفی افلاطون
۵۲	 ۲-۴- نظام سیاسی افلاطون
۵۴	 ۳-۴- ویژگی‌های فیلسوف؛ انسان کامل افلاطون
۵۵	 ۴-۴- مراحل کمال انسان
۵۷	 ۵-۴- ارزیابی و نقد انسان کامل افلاطون

فصل پنجم: انسان کامل از دیدگاه ارسطو	۵۹
۱-۵ سعادت همراه لذت؛ هدف انسان	۶۱
۲-۵ راه رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه	۶۲
۳-۵ مشخصات مرد بزرگ‌منش؛ انسان کامل ارسطو	۶۳
۴-۵ ارزیابی و نقد انسان کامل ارسطو	۶۴
فصل ششم: انسان کامل از دیدگاه نیچه	۶۶
۱-۶ انسان؛ یک موجود مادی و زمینی	۶۸
۲-۶ خواست قدرت؛ حامل کمال انسان نیچه‌ای	۷۰
۳-۶ نیچه؛ مخالف سرسخت مسیحیت	۷۱
۴-۶ مرگ خدا؛ بوج‌گرایی و واژگونی ارزش‌ها	۷۲
۵-۶ اَبَر انسان؛ انسان کامل نیچه	۷۴
۶-۶ ارزیابی و نقد انسان کامل نیچه	۷۵
فصل هفتم: انسان کامل از دیدگاه مارکسیسم	۷۹
۱-۷ مادی‌گرایی؛ اساس جهان بینی مارکس	۸۰
۲-۷ انسان در فلسفه مارکس	۸۱
۳-۷ انسان اجتماعی	۸۲
۴-۷ عوامل تخریب و از خودبیگانگی انسان	۸۳
۵-۷ انسان سوسیالیست؛ انسان کامل مارکس	۸۴
۶-۷ ارزیابی و نقد انسان کامل مارکسیسم	۸۵
فصل هشتم: انسان کامل از دیدگاه اگزیستانسیالیسم	۹۰
۱-۸ انسان و هستی	۹۱
۲-۸ فلسفه کی‌یرکه گارد	۹۳

۳۸-	فلسفه کارل یاسپرس	۹۷
۴۸-	فلسفه مارتین هایدگر	۹۹
۵۸-	فلسفه ژان پل سارتر	۱۰۴
۶۸-	آزادی انسان	۱۰۶
۷۸-	انسان دلهره‌مند و فراموش شده	۱۰۷
۸۸-	ارزیابی و تقد انسان کامل اگزیستانسیالیسم	۱۰۸
	فصل نهم: اومانیسم و انسان اومانیستی	۱۱۲
۱-۹-	ریشه لغوی اومانیسم	۱۱۳
۲-۹-	معنی اومانیسم	۱۱۳
۳-۹-	پیشینه اومانیسم	۱۱۴
۴-۹-	زمزمه‌های رشد اومانیسم	۱۱۶
۵-۹-	انواع اومانیسم جدید	۱۱۸
۱-۵-۹-	اومانیسم رنسانس	۱۱۹
۲-۵-۹-	اومانیسم نو	۱۱۹
۳-۵-۹-	اومانیسم سوم	۱۲۰
۶-۹-	اخلاق علمی؛ اخلاقی اومانیستی	۱۲۰
۷-۹-	اومانیسم غربی؛ اومانیسم ملحد	۱۲۲
۸-۹-	انسان، خدای انسان؛ غایت اومانیسم غربی	۱۲۳
۹-۹-	ارزیابی و تقد اومانیسم غربی، و مقایسه آن با اومانیسم اسلامی	۱۲۷
	نمایه	۱۳۵
	منابع و مأخذ	۱۴۱

پایه‌انسان بلنداست، از چه یا پستی خویشی؟

تو گل گلزارِ لعل و عزتی، خواری میجوی

چند سال پیش در یک جلسه ادبی - فلسفی، موضوع «اومانیسم» به بحث گذاشته شده بود و «استاد» از مشخصات آن در غرب سخن می‌گفتند. سخن از انسان بود و جایگاه او در جامعه غرب. جامعه‌ای که در آن، انسان و نیازهای مادی و جسمانی او حرف اول را می‌زند. شاید نخستین جرعه دنبال کردن موضوع این اثر در آن جلسه زده شد. از همان موقع - اواسط سال ۱۳۷۶ - در هر جایی که اسمی از اومانیسم می‌دیدم یا می‌شنیدم سراپا چشم و گوش می‌شدم!

ما در رشته‌های علوم تجربی، فنی - مهندسی و علوم پایه، چون رویکرد ارزشی ندارند - نه این که باید، امّا - می‌توانیم از تجربه و پیشرفت دیگران استفاده کنیم و پیش برویم. امّا در رشته‌های علوم انسانی، آن هم در یک کشور اسلامی با هویت مشخص، باید رویکرد خودمان را داشته باشیم تا ریزه‌خوار اندیشه‌های دنیوی، منحلّه، تاریخ مصرف دار و پراکنده دیگران نشویم. باید در بخش پژوهش علوم انسانی، آن چنان قوی شویم که در کنار تجزیه و تحلیل گفته‌های دیگران، متأثر و منفعل آن‌ها نشویم.

تلاش‌های زیادی در این زمینه شده است اما با همه این کوشش‌ها، باید اذعان کرد - با وجود پشتوانه غنی‌ای که داریم - نه تنها معلومات خودمان را به اندازه آن‌ها کاربردی نکرده‌ایم بلکه تحقیقات نظری‌مان نیز، آن چنان گسترده نیست که حرفی برای گفتن داشته باشیم.

متأسفانه دانشگاه‌های ما نیز در این زمینه وضعیت اسفباری دارند. آن‌ها تحقیق را می‌خواهند فقط برای تحقیق؛ و سپس بایگانی کردن آن برای همیشه در کتابخانه؛ و اصلاً اعتقادی به کاربردی کردن و به فعلیت رساندن محتوای آن ندارند؛ و خدا نکند که کسی، نظر مخالفی با آن‌ها داشته باشد...

بعد از انتخاب موضوع «اومانیسم»، کم‌کم فیش‌های ارزنده‌ای از کاوش‌ها و همین دیده‌ها و شنیده‌ها جمع شد. «اومانیسم غربی» را تقریباً شناختم. تا قبل از رنسانس، نگاه‌ها بیشتر به سمت صنعت و طبیعت بود. تا به انسان؛ در رنسانس برای جبران این فراموش شدگی، او را در صدر جهان ماده قرار دادند و صنعت و طبیعت را در خدمت او گماشتند. آن‌ها - آن‌هایی که دلشان به حال این انسان فراموش شده سوخته بود - حتی لفظ «استخدام» را هم در کنار طبیعت، برای انسان گذاشتند و او را صاحب دنیا کردند تا جبران مافات شود!

انسان، تجدید قوا کرده بود؛ تجدید قدرتی که به اعتقاد آن‌ها - نباید با علوم دینی و ماوراءالطبیعه، ضعیف می‌شد... مدتی گذشت؛ بشر در این تجدید حیات، احساس استغنا کرد. اصولاً هر موجودی - یا بهتر بگوییم - هر مدبر کمی مثل انسان وقتی که توانایی‌هایش را بالاتر از جنبه‌های اولیه‌اش ببیند، به نوعی «حسن استغنا» می‌رسد. و نتیجه این احساس استغنا هم مشخص است: «طغیان» (انّ الانسان لَطِغَفِي، آن زناه استغفنی)^۱.

از طغیان‌های اجتماعی‌اش که بگذریم، نتیجه دیگری که - از نظر فردی - نصیب انسان شد، جدا شدن از نقطه اتصال خود بود و به عبارتی معلق شدن. در این طرز تفکر - که برای خود، نهضتی به پا کرد - رأی انسان جای وحی خدا را گرفت. یعنی «اصالت وحی» کنار زده شد و «اصالت رأی» تحقق یافت؛ و بدین شکل، اساس «اومانیسم» و مکاتب مشتق شده از

^۱ قرآن کریم: علق / ۷-۶